

۱۶۶۹۸

معرفی یک قرآن نفیس

بقلم

محمد جعفر یاحقی

در باب ترجمه

ترجمه سوره فجر

ترجمه قرآن - سوره فجر

قرآنی است کامل با ۴۴۹ صفحه متن و ۷ صفحه ضمائم و یادداشتها در مقدمه. متن عربی به خط کوفی مشکول و گاه نزدیک به نسخ، ترجمه فارسی در ذیل کلمات با خط نسخ می باشد.

دو صفحه آغاز با پیشانی و ذیل طرح قلمکار به شکرگف و زعفران تزیین یافته است. اسامی سوره ها بخط رفاع بازغفرانی و برخی بزعفران تحریر دارد، نوشته شده است. حزب و جزو و نصف الجزو در حواشی بشکرگف است و نیز نشانهای ترنجی برای فواصل ده آیه (عشرات) و نشانهای مخروطی برای پنج آیه (خمسات) در حواشی باشکرگف و زعفران قرار گرفته است دو صفحه نصف القرآن (یعنی ص ۲۲۷ و ۲۲۸) نیز همچون دو صفحه اول با پیشانی و ذیل تزیین یافته است. فواصل آیات بادوایر زعفرانی مشخص شده و قوف بازنگار و مدات و همزه ها و برخی دیگر از نشانه های تجویدی به شکرگف است. با قطع ۲۵x۳۷/۵، هر صفحه ۲۴ سطز (۱۷ متن و ۱۷ ترجمه) دربردارد.

نام کاتب و تاریخ کتابت

تاریخ کتابت و نام کاتب به همان قلمی که متن تحریر یافته، در صفحه آخرین پال سوره «ناس» نوشته شده و کاتب این یادداشت خود را هم ترجمه کرده و مثل متن قرآن در ذیل عبارات عربی، فارسی آنرا داده است.

اینک یادداشت کاتب و ترجمه آن :

و کتب هذا الجامع ابوعلی ابن (کذا) بنوشت این... (۱) پدر علی حسن پسر الحسن بن محمد بن الحسن الخلیف محمد پسر حسن خطبه کننده بدیه که کاتب بقریه که کاتب من ناحیت المرحوم من از بقعه مرحوم گویند، از حوالی شهر

۱- این کلمه خوانا نیست، شاید «متنویبه»؟ بمناسبت ارزش معنوی و بلند مرتبه ای

قرآن .

کسوره الری اعانه الله علی طاعته ری بدارد اورا خدای تعالی و رطاعت و ابتغاء مرضاتیه وثبته بالقول الثابت خویش و بجوید رضای خدای یعنی در فی الدارین وفرغ منه فی يوم السبت نبستن کتاب و محکم کند بگفتن محکم الثالث عشر من صفر عند صلوة الظهر یعنی بپذیرد در هر دوسرای و فارغ شد من سنة ست و خمسين و خمس مایه از نبستن این کتاب در روز شنبه سیزده

از ماه صفر نزدیک نماز پیشین از سال شش و پنجاه و پانصد

در ذیل این یادداشت بازنگار یعنی قلمی که با آن وقفها را گذاشته است، نوشته.

و فرغ من و قوف هذا المصحف يوم و... (۱) از وقوف کردن این کتاب ... من هذا الشهر المذكور فيه روز... (۱) ... ازین ماه کی نوشته است درین

در حاشیه سمت چپ صفحه و کنار یادداشت کاتب باشکرگف یعنی رنگ مدات و نشانه های تجویدی نوشته است :

و فرغ منه من المد هذا المصحف و فارغ شد از آن از ممدود... (۱) این همزها و تنوین ذلك فی آخر هذا کلام و تنوین این در آخر این ماه از الشهر من سنة المذكور فيه يوم الاثنين. سال... (۱) روز دوشنبه

واقف و وقفنامه

وقفنامه این قرآن در آغاز، پشت صفحه اول با خط جدیدترین شرح موجود است :

۱- این قسمها زیر برش صحافی رفته است .

وقد جاء الأخبار عن السيد المختار أنّه وحققت آمد اخبار از سيد بزرگوار
قال : وگريده کی او گفت :
القرآن غينى لا فخر بعده ولا غنى قرآن توانگرى است ك نیست درویشی
دونه اصدق الحديث كتاب الله . القرآن پس از آن و نیست هیچ توانگرى
هو الدواء . ليس منّا من لم يتغنّ ماورای آن راست تر حدیثی کتاب
بالقرآن . خيركم من تعلم القرآن و خدای است . قرآن بحقیقت شفای
عالمه القرآن . افضل عیادة امّتی مؤمنان . نیست از ما آنك نکند توانگرى
قراءة القرآن بهترین شما آن کس است کی
درآموزد قرآن را (۱) ... دیگران را
قرآن (۲)

یادداشتها و ضمائمى که از نظر خط و اسلوب نگارش به متن شبیه بود و
بنظر می رسید که به خط کتاب اصلی باشد تقریباً در اینجا پایان می یابد .
یادداشتهاى که ازین به بعد خواهد آمد با خط متن متفاوت و آنچه هم تاریخ دار
است جدیدتر از تاریخ کتابت اصل می باشد مهمترین آنها جدولی است که برای
عدد حروف قرآن ترتیب یافته که بخط نلث می باشد و در تاریخ جمادى الآخر
سال ۵۵۷ یعنی يكسال بعد از اتمام متن نوشته شده و معلوم می شود بخط
کاتب نیست . این است آن جدول :

عدد حروف القرآن

۱ : خمس وأربعين ألفاً وثمان مائة واثنتين وسبعين
ب : عشرة آلاف وأربع مائة واثني وعشرين

- ۱- این کلمه فرسوده شده و قابل قرائت نیست .
۲- اینجا به بعد زیر برش صحافی ولته است .

ت : إحدى عشر ألفاً وثلثمائة واثنتين وثلثين
ث : ألف وأربع مائة وأربع
ج : ثلثة ألف وثلثمائة واثني وعشرين
ح : أربعة ألف ومائة وتسعين وثلث
خ : الفين وستماية وثلث
د : أربعة ألف وتسع مائة وسبعين
ذ : ست ألف واثنتين وتسعين
ر : اثنا عشر ألفاً ومائتين واثنتين وأربعين
ز : ألف وستماية وثلث
س : إحدى عشر ألفاً وستماية غير واحد
ش : الفين ومائة وتسع وثلثين
ص : الفين ومائتين وسبع وثمانين
ض : الفين ومائة وتسع وتسعين
ط : ألفان ومائتين واثني وثلثين
ظ : ثمان مائة واثنتين وأربعين
ع : سبعة آلاف وأحدى عشرة
غ : ألف ومائة وتسع وثلثين
ف : أربعة آلاف وأحدى عشرة
ق : الفين وأربع مائة وأحدى وستين
ك : عشرة ألف ومائتين إحدى وعشرين
ل : ثلاثة وثلثين ألفاً وخمس مائة وعشرة
م : خمسة عشر ألفاً وتسعة
ن : سبعة عشر ألفاً وأربعين

و: احدى وعشرين الفا وخمس مایه وعشرين

ه: ثلاثة عشر الفا وتسع وعشرين

لا: اربعة آلاف واثنی وخمسين

ی: تسعة آلاف واحد وخمسين .

جمله: فذلك ثلثمائة الف و احدى وعشرين الفا واربع مایه واحد وعشرين

وكتب يوم الثلاثاء عند الزوال فی شهر جمادی الاخر سنة سبع وخمسين وخمس مایه .

از قدیم الایام تعداد حروف و کلمات و رکوعات قرآن را مسلمانان بنا حوصله تعیین کرده بودند و در مقدمات قرآنها و برخی کتب دیگر هم دیده می شود و گاه اختلافاتی هم در شمارش برخی از حروف بچشم می خورد (۱) . مطلب دیگر که باز از نظر تاریخی اهمیت دارد حدیثی است باخط ثلث که در سال ۶۵۲ کتابت شده باین شرح:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان هذه القلوب تصدأ كما يصدأ الحديد . قيل يا رسول الله فما جلاها ؟ قال ذكر الموت وتلاوة القرآن . صدق الله العظيم وصدق رسوله الكريم . كتبه العبد الضعيف محمد الاديبي الساوي بخطه في منتصف ربيع الاول من سنة اثنی وخمسين وست مائة غفر الله له .

در صفحه مقابل این حدیث بعد از حمد باری تعالی تاریخ تولد شخصی بنام عبیدالله پسر استاد نورالله که روز چهارشنبه بیست و ششم رمضان المبارک سال ۹۱۴ واقع شده بقلم شخصی بنام احمد الخطیب بخط ثلث جلی تحریر یافته است .

۱- از جمله رجوع شود نامه آستان قدس شماره ۴ سال هشتم، مقاله آقای پیش بنام

يك صفحه ديگر در آغاز این قرآن هست که حاوی احادیثی از قول حضرت رسول می باشد و گویا اصلاً جزو خود قرآن نبوده و در صحافیهای بعدی به آن منضم گردیده است .

احادیث باخط ثلث درشتی تحریر یافته و درین سطور که از هم زیاد فاصله دارد باخط ثلث ریزتری عبارات و اشعار لطیفی دیده می شود این چند بیت که خالی از لطافتی نیست نقل می شود .

اعتصام الوری بمقترتك عجز الواصفون عن صفتك

مب علینا فاننا بشر ما عرفناك حق معرفتك

در ذیل سطر بعد نوشته :

الخط صناعة و روحانیته تزید بالمدامه و تزیل بالترك .

الخط یقی زمانا بعد کاتبه و صاحب الخط تحت الارض مدفون

در ذیل همین یادداشت در مناجات :

الهی انت تعلم ما مرادی و تعلم ما ضمیری فی فؤادی

السهی لیس لی علم جمیل سوی ظننی بعفوک للعبادی

در پائین صفحه کتاب باخط شکسته زیبایی چنین خود را معرفی می کند حرره الفقیر الحقیر المذنب الجانی محمد الخوارزمی غفا الله عنه ولی تاریخی بچشم نمی خورد .

در قدیم که شناسنامه وجود نداشته مسلمانان تاریخ تولد فرزندان شان را که از یسادهای می رفته معمولاً بر پشت قرآنها که در هر خانه ای طبعاً وجود داشته می نوشته اند (این رسم هنوز هم گوشه و کنار در برخی خاندانهای دهاتی دیده میشود) . بر پشت صفحه اول این قرآن هم اسم و تاریخ تولد سه فرزند صاحب آن . که شخصی بنام ابو الهیجان عبد الواحد بوده که بین سالهای ۵۸۱ تا ۵۸۵ اتفاق افتاده یادداشت شده است . در همین صفحه مهرهای

متعددی از اولیای آستان قدس دیده می‌شود، در آخرین صفحه آن هم دعای ختم القرآن باخط کوفی نوشته شده که گویا کامل هم نیست و ورقی از آن افتاده است.

ج: درباب ترجمه

گفته شد که قرآن مورد بحث دارای ترجمه‌ای کامل و استوار در ذیل آیات می‌باشد که گویا به قلم کاتب متن انجام گرفته است. پارسی شیوای این ترجمه نشان می‌دهد که مترجم علاوه بر اینکه عربی خوب می‌دانسته بدقایت و لطافت زبان پارسی نیز آگاه بوده است، زیرا بر ابرهای فارسی او در حد خود کم نظیر است و همین سعه دانش او باعث شده که از بسیاری از خطاهائی که مترجمین دیگر احیاناً برایشان پیش آمده برکنار مانده است. در ترجمه پارسی این قرآن تا حد لزوم و تا آنجا که بمعنی واقعی کلام مجید خللی وارد نیامده اصالت و سهولت زبان پارسی حفظ شده است و حتی مترجم تا حدود امکان خود را از قید جمله بندی عربی خارج کرده و به روانی پارسی بیشتر اهمیت داده است. بطوری که بیشتر زیر نویس آیات بدون مراجعه به متن عربی روان و گویای مطلب است. در همینجا باید گفت که برای رعایت همین نکته است که مترجم بسیاری از حروف تأکید و روابط و عطف‌ها که مخصوص عربی است و در فارسی فصیح نمی‌باشد، ترجمه نکرده. مثل ان، ف (لام و نون تأکید) و غیره، و علاوه هر جا ایجاد کرده، مشتقات را بصورت فعل ترجمه کرده و یا فی المثل کلمه‌ای برای ایضاح مطلب بر ترجمه لفظ بلفظ افزوده است. مثلاً ترجمه این دو آیه، فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان.

ترجمه: متابعت کند معروف را و دهند و او (به بهار) دیت آن کشته ص (۱۱) آیه دیگر:

حای فظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی و قوموا لله فانتین فان خفتم فرجالاً

ورکیانا فاذا امنتهم فاذا ذکرنا الله کما علمکم

ترجمه: نگاه بان باشی (= باشید) و نمازها خاصه نماز میانه و مطیع باشی خدای را مطیع شدگان اگر ترسی (= ترسید) شما نماز کنی پیاده یا بسوار چون ایمن گردی نماز کنی خدای را چنانک در آموختست شمارا ص ۳۰.

درین قرآن برخی خصوصیات بچشم می‌خورد که بنظر می‌رسد از آثار لهجه مؤلف باشد و یا از مقوله استعمال نادر که ممکن است در هر روزگاری در زبان قلم رایج باشد، در زیر اجمالاً به چند مورد اشاره می‌کنیم.

الف: در ترجمه فعل نهی مفایب، برخی موارد در آخر ترجمه يك الف افزوده می‌شود. مثل: لایضار: مکتب‌ایان (۲۷)، لایاب: سروامزنیان (۲۷). همچنین در آخر ترجمه فعل امر غایب هم چنین الفی در آمده است.

مثل لیکتب: بنویسیا (۲۷) لیخش: بترسیا (۶۰)

ب: حذف دال دوم شخص جمع.

فعلهایی جمع مذکر مخاطب که در فارسی دوم شخص جمع معنی می‌شود اکثر اوقات بدون دال آخر که در صورت، بامفرد شبیه است، استعمال شده. امثله:

لا تحلقوا: و امنکی موی (= و امکنید) (۲۴) افیضوا: و اگر دی شما (۲۴)

لا تکفرون: نسپاسی نکنی (۸) اذکروا: یاد کنی (۸)

اهبطوا: فرو شوی (۷) تهتدون: راه یافتگان باشی (۲)

ج: نکته قابل ملاحظه دیگر تبدیل برخی حروف است که با مقایسه با استعمال امروز شکل مضبوط در این قرآن بنظر می‌رسد فرم لهجهای باشد. استعمال واو بجای ب: شواهد

لا تحمل: و رمنه (۲۸) یقوم: و رخیزد (۳۶)

غی: و بره (۲۲) فوق: زور (۲۶)

رَقْعْنَا: ورداشتیم ما (۱۵) اَعُوذُ: وازداشت خواهم (۱۲)
 يَتْلُو عَلَيْنَا: می‌ورخواند و رَشْمَا (۸) يَخْدَعُونَ: می‌فریوند ایشان (۲)

خ بجای ه

اِنْقُوا: بپرخیزید (بپرهیزید) (۲) تَتَّقُونَ: بپرخیزی (۱۱)

واو بجای ف

رَبِوَةٌ: اوراز (ب) افزایم معنی بلندی (۳۵)

ف بجای واو

بَقْرٌ: گاو (۱۲) و چندین مورد دیگر

* * *

در زیر برای مزید آشنائی با ترجمه این قرآن ترجمه سوره «فجر» (۸۹) را که از برخی موارد تفسیری هم خالی نیست با شماره آیات می‌دهیم شاید از فایده‌ای خالی نباشد ضمناً رسم الخط خود متن هم رعایت می‌شود.

بنام خداوند مهربان و بخشاینده

سوگند یادکنند بصبح زود (۱) و بشیهای ده از اول ذی‌الحجه (۲) و بهر نمازی که جفت است و بنمازی که طاق است (۳) و شب چون اندر آید (۴) هست در این چیزها سوگندی خداوند عقل را (۵) خیر نکردند ترا یا محمد که چون کرد خداوند بقوم هود (۶) ارم برسام بنوح خداوندان ستونها زرین و سیمین (۷) انک نیافرید خدای مانندان در شهرها (۸) و چون هلاک کرد قوم صالح آن کسها که می‌کنند سنکها را بوادی (۹) و چون غرقه کرد فرعون خداوندان میخها (۱۰) آن کسها که ایشان تباهی کردند در شهرها (۱۱) و بسیار

۱- در متن سکتا خوانده می‌شود.

کردند اندر شهرها فساد (۱۲) یفرستاد بر ایشان خداوند تو سخت‌ترین عذابی (۱۳) بدرستی که خداوند تو فریشتگان را براه کدر صراط کرده است (۱۴) اما مردم کافر چون بیازماید او را خداوندش و گرامی کند او را و نعمت دهدش گوید خداوند من گرامی بگرد مرا (۱۵) و چون بیازماید او را و تنگ بکند بروی روزی او می‌گوید خداوند من خوار بگرد مرا (۱۶) حَقَّكَ نَهَكَ نَدَارُكَ كَرَامِي يَتِيمَانَ رَا (۱۷) و نه حرصی کنند مردمان را بر طعام داذن درویشان (۱۸) و همی خوردند میراث خوردنی سخت (۱۹) و دوست می‌دارند خواسترا دوستی بسیار (۲۰) حَقَّكَ جَوْنَ يَجْنِبَانِدْ زَمِينِ رَا جَنْبَانِيدِنِي اَزْبَسْ يَكْ دِيكِرْ (۲۱) و بیایند امر خداوند تو و فریشتگان صف صف (۲۲) و بیاورند ان روز دوزخ را ان روز بندگیرند کافر و کجاسوژد دارد بند گرفتن اوی (۲۳) همی گوید کاشکی من نیکی فرستاد می‌درزندگانی خویش (۲۴) ان روز نکند عذاب چون عذاب کردن وی هیچ کس را (۲۵) و نکند بای بند چون بای بند کردن وی هیچ کس را (۲۶) گویند مومنان را ای جان ایمن شده از عذاب (۲۷) باز کرد با ثواب خداوند خویش خشنود شده بثواب خدای و خشنود شده از تو بفرمان برداری (۲۸) اندر روید اندر جمله بندگان من (۲۹) و اندر روید در بهشت من (۳۰)

این قرآن بطور کلی از نظر برابریهای فارسی چندان غنی نیست و بیشتر در ترجمه آن طبیعت زبان ملحوظ بوده تا آوردن پارسی سره و پرهیز از عربی، بسا این همه چنان نیست که یکسره از لغات پارسی اصیل خالی باشد. برای نمونه در زیر اندکی از برابریهای فارسی آنرا می‌دهیم:

اخدود: آب برین	اولین: پیشینگان
اساور: دستونچها (کذا)	بشتر: مزدگانده
اعند، بجاوده است	بقرة: گاو
اعوذ: وازدشت خواهم	تسلیم، گردن نهادن